



با احسان رضایی تابستان را در رمان‌های مختلف ورق زده‌ایم
احساس هُرم تابستان
از لای صفحات رمان **۱۳**



محمدتقی حاجی‌موسی امسال تابستان متفاوتی را تجربه کرده است
تلخ مثل تابستان ۱۴۰۰
۱۴



سیده‌اللهه سیدالحسینی از زائر هر روز حرم امام رضا می‌گوید
قصه دست‌های سید
۱۵



علی گنجی و تفریحات تابستانی عجیب در دنیا
تب بالای هیجان
دراوج گرما **۱۶**

پنجشنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۴۰۰ ■ شماره ۶۰۲۸

۱۳

هفتک‌جام‌جم

ویژه‌نامه آخر هفته روزنامه جام‌جم ■ شماره بیستم ■ ۴ صفحه

«هفتک جام‌جم» چهار صفحه ویژه از روزنامه جام‌جم است. جایی که قرار است هر آخر هفته دور هم بنشینیم و راجع به موضوعی که در زندگی روزمره درگیر آن هستیم و کمتر به آن فکر می‌کنیم، صحبت کنیم. آخر هفته‌ها با «هفتک جام‌جم» همراه باشید. موضوع این شماره: «تابستان»

در این شماره هفتک جام‌جم به پرسش‌های همیشگی معلم‌های انشا پاسخ داده‌ایم

تابستان خود را چگونه گذراندید

باری‌های تابستانی کودکان، امسال فشرده‌ایک‌خاتمه‌دور بودند

احسان رضایی در گپ و گفتی با «هفتک جام‌جم» از تابستان در رمان‌ها و قصه‌ها می‌گوید

احساس هُرم تابستان از لای صفحات رمان

✂ تابستان‌های بی‌آزار

تابستان‌های وحشتناک در رمان‌ها را گفتیم، بد نیست سری هم به این طرف ماجرا بزنیم. در بسیاری از رمان‌ها هم تابستان نقشی مثبت دارد. برای مثال در رمان‌های «سردگشت هکلبری فین» و «تام سایر»، داستان در این دو رمان در دوران تعطیلی تابستانی مدرسه اتفاق می‌افتد و تمام آن شیطنت‌ها و سفرها و ماجراجویی‌ها از آن تابستان، یک تابستان مفرح می‌سازد یا حتی از همین نویسنده می‌شود به اثر «شاهزاده و گدا» اشاره کرد که در آن هم تابستان نقش مهمی دارد.

اتفاقا برخلاف نمونه‌های خارجی از تابستان‌های وحشتناک که ذکر کردیم، اگر بخوایم تابستان‌های خوشحال ببینیم و آدم‌هایی را ببینیم که مشکلی با تابستان داغ ندارند، باید سری به رمان‌ها و داستان‌های فارسی بزنیم. مثلا در قصه‌های مجید نقش پرنک تابستان را در قسمت‌های مختلف می‌بینیم که برخلاف موارد قبلی تابستان آزارنده‌ای نیست حتی علی‌رغم مشکلاتی که مجید با آن دست و پنجه نرم می‌کند و یک سرش به تابستان مربوط می‌شود.

یا در مثالی دیگر بعضی کارهای نادر ابراهیمی مثل آتش بدون دود را می‌شود نام برد یا بیشتر آثار احمد محمود که در گرمای تابستان‌های اهواز می‌گذرد و خواننده، گرما حس می‌کند و با خواندن متن عرق می‌ریزد اما انگار شخصیت‌های داستان مشکلی با تابستان ندارند. البته در رمان‌های فارسی هم هستند آثاری که داستان‌شان در تابستان می‌گذرد و تابستانی تلخ را روایت می‌کنند اما واقعیت این است که تلخی داستان از خود تابستان نیست، مثل اثر «دکتر نون زتش را بیشتر از مصدق دوست دارد»

این مساله برمی‌گردد به این که ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که زباد تابستان داریم و با تابستان به یک هم‌زیستی رسیده‌ایم. برای همین مواجهه ما با تابستان با مواجهه نویسندگان روسیه فرق می‌کند. تابستان در رمان‌های ایرانی آزاردهنده نیست. در حالی که وقتی سفرنامه‌های نویسندگان غربی که به خاورمیانه یا خود ایران سفر کرده‌اند را می‌خوانیم، می‌بینیم همیشه از گرمای تابستان این منطقه و صاف بودن آسمان بالای سر این منطقه ناله می‌کنند و آزار می‌بینند.

داغ را در زادگاهش زندگی کرده و بعد آن را به فضای داستان‌هایش آورده، بد نیست کمی هم از آن طرف ماجرا صحبت کنیم. از نویسندگانی که به دلیل منطقه جغرافیایی زندگی‌شان، زیست زیادی با تابستان و گرما نداشته‌اند. برای مثال در رمان‌های روسی ما خیلی تابستان را نمی‌بینیم. با این که نویسندگان روس استاد به تصویر کشیدن زمستان و توصیف موقعیت‌های سرد زمستانی‌اند اما من تا به حال تصویری از تابستان در رمان‌های روسی ندیده‌ام.

در مثالی دیگر از موقعیت‌های داستانی که در مناطق سرد و کوهستانی اروپا می‌گذرد، می‌توانیم به رمان «خدا حافظ گاری کوپر» اشاره کنیم. کاراکترهای این رمان، مربی اسکی و اسکی‌باز هستند و از گرما فراری. تابستان که می‌شود انگار تحمل دنیا برایشان سخت می‌شود. کاراکترها هر کدام به دلالی از شهر به قله‌های سردسیر و برقی پناه برده‌اند و آنجا زندگی می‌کنند. در مثالی که از رمان خدا حافظ گاری کوپر ذکر کردیم، دیدیم که کاراکترهای داستان برخلاف باور روس‌ها که همیشه دوست داشته‌اند به آب‌های گرمسیری برسند، دوست دارند از گرما فرار کنند و خودشان را به برف روی قله‌ها برسانند. این شکل از تابستان در بسیاری از رمان‌ها یک شکل هیولایی و ترسناک است که همه چیز را به هم می‌ریزد و کاراکترهای داستان از آن فراری‌اند.

برای مثال در رمان «همه چیز فرو می‌پاشد» از چینوا اچپی که بزرگ‌ترین نویسنده آفریقایی است، تصویری از گرمای آفریقا را می‌بینیم. در این رمان آفریقای گرم و سوزان را حس می‌کنیم و مناسبات قبیله‌ای برای زنده ماندن در آن تابستان بی‌پایان را می‌بینیم.

در داستان‌های علمی و تخیلی هم این تابستان و گرمای وحشتناک را زیاد می‌بینیم و اصلا تبدیل شده است به یکی از تم‌های ساخت داستان‌های علمی و تخیلی. این که تابستان همه جا را بگیرد و زمین به قدری گرم شود که بحران آب، گرمای بی‌سابقه و از دست دادن آب، بدن حیات بشر را تهدید کند. با این حساب می‌شود گفت در برخی رمان‌های علمی و تخیلی هم تابستان در قامت یک غول ظاهر می‌شود به جای این که مثل دنیای واقعی، موقعیتی پر از تعطیلات و تفریحات باشد.



احسان رضایی نویسنده و پژوهشگری که بیشتر رمان‌های دنیا را زندگی کرده است

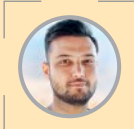
معمولا در رمان‌های مدرسه‌ای به تعطیلات تابستانی پرداخته می‌شود. جایی که می‌شود خیلی سراغ این چیزها را گرفت رمان‌هایی‌اند که فضای مدرسه‌ای دارند که شاید معروف‌ترین آن رمان «سالار مگس‌ها» یا «رب النوع حشرات» باشد. (به هر دو عنوان به فارسی ترجمه شده است) داستان، ماجرای چند نوجوان دبیرستانی است که قرار است به یک اردو در تعطیلات تابستانی بروند که در راه دچار سانحه می‌شوند و سر از جزیره‌ای در می‌آورند که داستان در آن می‌گذرد و برداشت فلسفی آقای گلدینگ (نویسنده) از این ماجرا بسیار شگفت‌انگیز است. این رمان، معروف‌ترین نمونه از رمان مدرسه‌ای همراه با تعطیلات تابستانی است اما در رمان‌های مدرسه‌ای دیگر هم معمولا تعطیلات تابستانی نقش دارد. از «آن‌شرلی» گرفته تا «هری پاتر» با این که خیلی ماجرا در تعطیلات تابستانی نمی‌گذرد و معمولا یک فصل در هر رمانش است اما همان یک فصل و یک موقعیت تعطیلات تابستانی سرنخی است برای اتفاقات بعدی و مهم داستان.

✂ تابستان داغ دیوانه‌کننده

آلبر کامو یکی از نویسندگانی است که همیشه از تابستان‌های داغ زادگاهش «الجزایر» در گوشه و کنار نوشته‌هایش یاد می‌کند. اصلا کتاب «تابستان» او هم با نگاهی به همین تابستان‌های داغ الجزایر نام‌گذاری شده است. «تابستان داغ» که آلبر کامو آن را از زادگاهش با خود به رمان‌هایش آورده است نقش مهمی در بعضی داستان‌های او بازی می‌کند. گاهی این تابستان به قتل منجر می‌شود. کاراکتر داستان از شدت گرما دیوانه می‌شود و دست به قتل می‌زند. در کارهای نویسندگان آمریکای لاتین هم تابستان خیلی زیاد است و نقش مهمی در داستان دارد. بیشتر داستان‌هایشان در یک گرمای خاص می‌گذرد و همین گرما، گاهی عنصر پیش‌برنده داستان است. این ویژگی را در آثار نویسندگان آمریکای لاتین مثل ماریو بارگاس یوسا یا کابریل گارسیا مارکز می‌بینیم. برای مثال در رمان «صد سال تنهایی» شما هیچ برقی نمی‌بینید و هیچ فضای سردی را تجربه نمی‌کنید اما گرما و عطش ناشی از گرما در این داستان در جریان است و حس می‌شود. در بین آثار نویسندگان اروپایی هم اگر بگردیم متوجه می‌شویم که نقش تابستان در آثار کسی مثل ژول ورن بسیار مشخص است.

✂ غول وحشتناک تابستان

حالا که حرف آلبر کامو شد و گفتیم که او تابستان



علیرضا راقتی روزنامه‌نگاری که هیچ جوره با تابستان کنار نمی‌آید

چرا با خودمان روراست نیستیم؟
کی گفته تابستان فصل خوشگذرانی است؟
فصل سوال‌های بی‌جواب

آقای احسان رضایی همه چیز را می‌دانند! این را همه کسانی که ایشان را از نزدیک می‌شناسند هم گواهی می‌دهند اما باور کنید او هم جوابی برای این سوال من نداشت. این که چرا باید تعطیلات تابستانی داشته باشیم؟! مثلا چرا نباید برای مدارس و دانشگاه‌ها تعطیلات پاییزی یا بهاری داشته باشیم؟ بیشتر کشورهای دنیا چه چیزی در تابستان دیده‌اند که تعطیلی‌های مدارس و دانشگاه‌شان را گذاشته‌اند در این فصل؟ حالا که صحبت از کسانی که آقای رضایی را از نزدیک

می‌شناسند شد باید یک توضیح دیگر هم راجع به «از نزدیک شناختن» بدهم. از نزدیک شناختن ممکن است برداشت آدم‌ها از متن را عوض کند. مثلا کسانی که من را از نزدیک می‌شناسند اگر این متن را بخوانند با خودشان بگویند که اگر این آدم از تابستان و گرما خوب می‌گفت جای تعجب داشت! من واقعا همان قدر که از سرما و در سرما نشستن احساس آرامش می‌گیرم در گرما معذبم. اصلا اگر قرار نبود انسان در گرما معذب باشد که خدا جهنم‌اش را گرم نمی‌ساخت! مثلا جهنم را جایی درست می‌کرد شبیه به سیبری که همه‌اش برف است و یخ. آن وقت کدام گناهکاری از افتادن در یک یخچال طبیعی پر از برف و یخ می‌ترسید و از گناه پرهیز می‌کرد؟! بگذارید اصلا مساله را طور دیگری برایتان باز کنم. تمام کسانی که از تابستان خوش‌شان می‌آید و دوست دارند از بهترین سه ماه سال بیشترین استفاده را ببرند، اگر دقیق‌تر به تفریحات تابستانی‌شان دقت کنند، می‌فهمند که در واقع آنها هم دارند از سرما لذت می‌برند و نه از گرما! برای مثال این دست آدم‌ها دوست دارند در تابستان لب ساحل یک جزیره دراز بکشند و نوشیدنی خنک بنوشند. خب برادر/خواهر من! این هم که شد همان!

یعنی شما هم دارید از خنک بودن یک چیز لذت می‌برید و تابستان این وسط فقط کمی کنتراست را بالا می‌برد تا آن خنکی بیشتر به کام‌تان بیاید و بیشتر لذت ببرید. یا مثلا دوستان‌تان تابستان دل توی دل‌شان نیست که در این فصل بپرند در یک استخر آب یخ روباز. یعنی باز هم دارند از سرمای آب و هوای باز لذت می‌برند نه گرمای تابستان.

بگذریم، با این حال و با نادیده گرفتن این نکات که در این دنیا هیچ کس حتی به دنبال جواب این سوال هم نیست که چرا باید تابستان فصل خوشگذرانی و تعطیلات باشد. این شماره از هفتک جام‌جم را به تابستان اختصاص داده‌ایم و یک موضوع اساسی را مطرح کرده‌ایم که در کنار موضوع «علم بهتر است یا ثروت؟» یکی از موضوعات ثابت انشای مدرسه‌مان بوده است. موضوع «تابستان خود را چگونه گذراندید؟» البته برخلاف دوران مدرسه که بیشتر دانش‌آموزان برای پر آمدن جلوی هم‌کلاسی‌هایشان از سفرهای خیالی‌شان می‌گفتند و از این که خیلی بهشان خوش گذشته، نویسندگان این شماره هفتک جام‌جم از واقعیت تابستان‌هایی که پر آنها گذشته، حرف زده‌اند.

